

رسول پویان

سپهر همدلی

گر تعصب خانه در دل ها کند کین آورد
داعش و بوکوحرام و وحشت دین آورد
طالب مدرسه را آدمکش دوران کند
کودکان را بهر قتل خلق مسکین آورد
عشق و آزادی رباید از کف نسل جوان
تفتیش اندیشه را با ضرب قمچین آورد
زن ستیزی را بزیر نام دین جاری کند
بردگی را بار دیگر همچو پیشین آورد
فتنه جنگ صفین و کینه جنگ جمل
شیخ ظالم با سم فرهنگ و آیین آورد
کین ایران و سعودی را نماید آتشین
در عراق و شام و لبنان و فلسطین آورد
رخس رستم را به زیر ران تازی افکند
دیو را در جامه دین بر سر زین آورد
جنگ فارس و ترک و تازی را بنام کیشها
از عرب تا هند و روس و خطه چین آورد
از بیک و تاجیک و پشتون را کند باهم رقیب
در فغانستان نفاق و جنگ خونین آورد
هندو و سیک و مسلمان را کند از هم جدا
از دل طالب ستان امراض چرکین آورد
زیر نام مذهب و قوم و نژاد و واژگان

کینه و تبعیض و استبداد ننگین آورد
جذبهٔ عشق و محبت را زدل بیرون کشد
جای آن شمشیر خونین و تبرزین آورد
لطف رحمان رحیم را قهرجباران کند
بر سر افرشتگان ظلم شیاطین آورد
از بهاران تازگی دزد خزان را اعتدال
مرگ گلزار و انارستان رنگین آورد
رقص شاد و نغمهٔ مستی بود آخر حرام
بر سر گور خموشان سوگ و یاسین آورد
الحدراز فتنه و تزویر این شب باوران
جای شور زندگانی مرگ و نفرین آورد
در دل انسانیت جایی ندارد ظلم و کین
عشق و آزادی به میهن مهردیرین آورد
در خراسان نور خورشید حقیقت را نگر
از سپهر همدلی ها ماه و پروین آورد

2014/7/5